

COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

A Sociological Study of the Relationship between Literary Study and Cultural Identity of Shahed University Students

Abolfazl Zolfaghari*

E-mail: zolfaghariab@gmail.com

Farideh Davoudi-Moghadam **

E-mail: fdavoudy@gmail.com

Mohammad Reza Heshmati ***

E-mail: rezaheshmaty1037@gmail.com

Received: 2025/01/30

Revised: 2025/09/21

Accepted: 2025/09/30

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.503460.1665

Abstract

Persian literature—one of Iran's richest and oldest cultural heritages—plays a pivotal role in shaping national and cultural identity. Persian poetry, with its aesthetic refinement and profound meanings, has long attracted devoted audiences. As the younger generation and the country's future leaders, university students are vital to preserving and promoting this heritage. The present study examines the extent of students' interest in and reading of Persian poetry and literature and its relationship with cultural identity. Employing a survey design and a structured questionnaire, the research targeted students at Shahed University (Tehran). The sample was selected using random sampling procedures, and recognized statistical tests were used to ensure validity and reliability. Findings indicate that 43.4% of respondents reported a moderate level of interest in Persian literature, while 4.7% reported very low interest. Overall, students' interest in poetry and literature was above the mid-point; however, actual reading of poetry was lower than expected. Perceived contributions of literature to promoting human ethics and aesthetic dispositions were reported by 79.03% and 77.40% of respondents, respectively. Moreover, 88.74% reported enjoyment when reading a poem, and 72.55% expressed empathy with fictional protagonists. To strengthen and expand this interest, the study recommends initiatives such as poetry-reading and literary critique sessions, upgrading library holdings, short courses and workshops, cultural and artistic activities, and structured reading programs related to Persian literature.

Keywords: Persian Literature, Poetry and Novels, Cultural Identity, Cultural Capital, Students.

* Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran.

** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

*** Ph.D. Student in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author).

بررسی جامعه‌شناختی پیوند میان مطالعه ادبیات و هویت فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه شاهد

نوع مقاله: پژوهشی

ابوالفضل ذوالفقاری*

فریده داودی مقدم**

محمد رضا حشمتی***

E-mail: zolfaghariab@gmail.com

E-mail: fdavoudy@gmail.com

E-mail: rezaheshmaty1037@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

چکیده

ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و کهن‌ترین میراث‌های فرهنگی ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی و فرهنگی ایرانیان ایفا می‌کند. شعر فارسی، با زیبایی‌های زبانی و مفاهیم عمیق خود، همواره مورد توجه علاقه‌مندان به ادبیات قرار گرفته است. در این میان، دانشجویان به‌عنوان نسل جوان و آینده‌ساز کشور، نقش بسزایی در حفظ و ترویج این میراث ارزشمند دارند؛ بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان علاقه‌مندی و خواندن شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان است. روش این تحقیق به‌صورت پیمایشی بوده و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه شاهد تهران بوده و نمونه آماری به‌صورت تصادفی انتخاب شده است. برای افزایش اعتبار و پایایی نتایج، از روش‌های آماری معتبر و آزمون‌های پایایی استفاده شده است. نتایج نشان داد که ۴۳/۴ درصد از پاسخگویان میزان علاقه‌مندی خود را به ادبیات فارسی در حد متوسط و ۴/۷ درصد در حد خیلی کم گزارش کرده‌اند. این یافته‌ها نشان‌دهنده علاقه‌مندی بالاتر از حد متوسط دانشجویان به شعر و ادبیات فارسی است؛ اما میزان مطالعه شعر در بین دانشجویان کمتر از حد انتظار است. نقش ادبیات در ترویج اخلاق انسانی و گرایش‌های زیبایی‌شناسانه به‌ترتیب ۷۹/۰۳ درصد و ۷۷/۴۰ درصد گزارش شده است. میزان لذت بردن از مطالعه یک شعر ۸۸/۷۴ درصد و میزان همدلی با قهرمانان داستان‌ها ۷۲/۵۵ درصد بوده است. برای تقویت و توسعه این علاقه‌مندی، پیشنهاداتی ازجمله برگزاری جلسات شعرخوانی و نقد ادبی، تجهیز کتابخانه‌ها با منابع ادبی، برگزاری دوره‌ها و کارگروه‌های آموزشی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و توسعه برنامه‌های مطالعاتی مرتبط با ادبیات فارسی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، شعر و رمان، هویت فرهنگی، سرمایه فرهنگی، دانشجویان.

* دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

** دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

*** دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).



مقدمه و بیان مسئله

مطالعه شعر و رمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی در زندگی انسان‌ها، نقش بسزایی در توسعه فکری و اجتماعی افراد دارد. این فعالیت نه‌تنها می‌تواند به بهبود مهارت‌های زبانی و تقویت توانایی‌های ارتباطی کمک کند، بلکه می‌تواند به افزایش خلاقیت و تفکر انتقادی منجر شود (آذری، ۱۳۸۹: ۳۲). در این میان، دانشجویان به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم جامعه، نقش ویژه‌ای در توسعه و ترویج فرهنگ مطالعه دارند. بررسی علاقه‌مندی و میزان مطالعه شعر و رمان در بین این گروه می‌تواند به شناخت بهتر نیازها و علایق فرهنگی آن‌ها کمک کند و زمینه‌ساز تدوین برنامه‌های مناسب برای ترویج فرهنگ مطالعه باشد (زارعی، ۱۳۹۵: ۲۵). دانشگاه شاهد که یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود، با توجه به ترکیب متنوع دانشجویان از رشته‌های مختلف، موقعیت منحصربه‌فردی برای انجام این بررسی فراهم می‌کند. بررسی عادات مطالعه دانشجویان این دانشگاه می‌تواند نکات ارزشمندی را برای مراجع آموزشی و فرهنگی کشور روشن کند (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۷). به‌ویژه در دورانی که تکنولوژی و رسانه‌های دیجیتال به‌سرعت در حال گسترش هستند، شناخت و تحلیل الگوهای مطالعه دانشجویان می‌تواند به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های جدید در حوزه فرهنگ مطالعه کمک کند.

مطالعه شعر و رمان به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین اشکال ادبی، همواره جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ‌های مختلف داشته است. این نوع از ادبیات با توانایی خود در انتقال احساسات، تجارب و دیدگاه‌های مختلف، می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت همدلی و فهم متقابل در جامعه عمل کند (کریمی، ۱۳۹۰). ازسوی دیگر، شعر و رمان می‌توانند به‌عنوان منابع الهام‌بخش برای خلاقیت و نوآوری در زمینه‌های مختلف علمی و هنری مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین، بررسی علاقه‌مندی و میزان مطالعه شعر و رمان در بین دانشجویان دانشگاه شاهد، نه‌تنها می‌تواند به بهبود برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این دانشگاه کمک کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نیز مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اهمیت این موضوع، تحقیق حاضر به بررسی دقیق‌تر این مسئله پرداخته و تلاش می‌کند تا با استفاده از روش‌های علمی و داده‌های معتبر، تصویری جامع از وضعیت مطالعه شعر و رمان در بین دانشجویان دانشگاه شاهد ارائه دهد.

ادبیات، به‌ویژه شعر فارسی، یکی از ارزشمندترین و غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی و هنری ایران است که همواره نقش مهمی در فرهنگ و هویت ملی ما داشته است. این

میراث غنی ادبیات، که شامل آثار بزرگانی چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی و دیگران می‌شود، نه تنها از دیدگاه ادبی، بلکه از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ با این حال، در دهه‌های اخیر، تغییرات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی متعددی روی داده که بر روابط نسل جوان با این میراث ارزشمند تأثیر گذاشته است. یکی از نگرانی‌های عمده در جامعه امروز ما، کاهش میزان مطالعه و علاقه‌مندی به ادبیات فارسی بین جوانان و دانشجویان است. تحقیقات نشان می‌دهد که مطالعه و علاقه‌مندی به ادبیات می‌تواند تأثیر بسزایی بر توسعه فردی، افزایش توانایی‌های فکری و اخلاقی و نیز تقویت هویت ملی و فرهنگی داشته باشد (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۶). با این حال، به نظر می‌رسد میزان مطالعه و علاقه‌مندی به ادبیات و شعر فارسی در بین دانشجویان به‌طور کلی، کمتر از حد انتظار است. یکی از عوامل مهم در این زمینه، نحوه آموزش و تدریس ادبیات در مدارس و دانشگاه‌ها است.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که شیوه‌های سنتی تدریس و عدم استفاده از روش‌های نوین و جذاب آموزشی می‌تواند به کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات منجر شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). برای مثال، تمرکز بیش از حد بر تحلیل‌ها و تفسیرهای پیچیده و عدم توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و لذت‌بخش ادبیات می‌تواند دانشجویان را از مطالعه ادبیات فاصله دهد. از سوی دیگر، تأثیرات فناوری و رسانه‌های دیجیتال را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. با گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، الگوهای مصرف فرهنگی و رفتار مطالعاتی جوانان تغییر کرده است. این تغییرات می‌تواند به کاهش زمان مطالعه کتاب‌های ادبی سنتی مانند شعر و رمان منجر شود (نظری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸). ادبیات فارسی به عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگی و تاریخی ایران، نقش بسزایی در شکل‌دهی به هویت ملی و فرهنگی ایفا می‌کند. با این حال، در دهه‌های اخیر، نگرش دانشجویان به ادبیات فارسی تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی قرار گرفته است. این تغییرات می‌تواند تأثیرات عمیقی بر علاقه‌مندی و انگیزه دانشجویان در مطالعه و مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با ادبیات فارسی داشته باشد. مطالعات نشان می‌دهد که عوامل متعددی مانند محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ عامه و همچنین، فشارهای اجتماعی و اقتصادی می‌توانند بر نگرش دانشجویان به ادبیات فارسی تأثیر بگذارند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۰؛ علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۲). به عنوان مثال، تحقیقاتی که توسط منصوری و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، نشان می‌دهد که دانشجویان در بیشتر



مواقع ادبیات فارسی را به عنوان یک موضوع درسی خشک و غیر جذاب می بینند و این امر باعث کاهش انگیزه آن‌ها برای مطالعه بهتر می شود. ازسوی دیگر، علیزاده (۱۴۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که استفاده از روش های تدریس نوین و تعاملی می تواند نگرش مثبت تری نسبت به ادبیات فارسی ایجاد کند.

در سال های اخیر، کاهش میزان مطالعه آثار ادبی، به ویژه شعر و رمان، در میان نسل دانشگاهی به یکی از دغدغه های مهم فرهنگی تبدیل شده است. این کاهش، تنها با تکیه بر عوامل آموزشی همچون نحوه تدریس اساتید و محتوای رسمی دروس قابل تبیین نیست، بلکه متأثر از مجموعه ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناورانه است. ظهور رسانه های نوین، گسترش شبکه های اجتماعی، سرگرمی های دیجیتال و تصویری و تغییر سبک زندگی، فرصت توجه عمیق به ادبیات مکتوب را برای بسیاری از دانشجویان محدود کرده است. در این میان، جای خالی تحلیل هایی که پیوند میان میزان مطالعه ادبیات و هویت فرهنگی را بررسی کنند، به شدت احساس می شود. ادبیات فارسی به عنوان یکی از حاملان اصلی هویت فرهنگی ایرانیان، در صورتی که از دایره توجه نسل جوان خارج شود، می تواند نشانه ای از گسست نسلی در انتقال ارزش ها و میراث فرهنگی باشد. باین حال، بیشتر پژوهش های پیشین یا فقط به نظام آموزشی پرداخته اند و یا مطالعه ادبی را بدون توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی تحلیل کرده اند. پژوهش حاضر با رویکرد جامعه شناسی، می کوشد به این خلأ پاسخ دهد و نسبت میان مطالعه شعر و رمان و هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه شاهد را در بستری چندعاملی مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

مطالعه نگرش دانشجویان نسبت به ادبیات فارسی می تواند براساس نظریه های مختلفی در حوزه های روان شناسی، جامعه شناسی و آموزش انجام شود. در این بخش، به بررسی چند نظریه مهم که می تواند به تحلیل و درک بهتر نگرش دانشجویان کمک کند پرداخته می شود. ایپولیت تن، فیلسوف و منتقد فرانسوی قرن نوزدهم، از نخستین نظریه پردازانی است که رابطه ای ساختاری و علی میان ادبیات و جامعه برقرار کرد و سه مؤلفه نژاد، محیط و زمان را به عنوان عوامل بنیادین در شکل گیری آثار ادبی معرفی نمود (ولک و وارن، ۱۳۷۹: ۴۹). از نگاه تن، هیچ اثر ادبی در خلأ خلق نمی شود و همواره بازتابی از شرایط زیستی، فرهنگی و تاریخی جامعه و دوره زیست نویسنده است (گوردن (جان)، ۱۳۷۰: ۲۱).

نخستین مؤلفه، نژاد است که تن آن را به معنای مجموعه ویژگی های موروثی و روح قومی هر ملت می داند؛ مفهومی که به برداشت هگل از «روح قومی» نزدیک است و

به هیچ وجه با نژادپرستی یکی نیست (علایی، ۱۳۸۰: ۲۲). او معتقد است هر ملت، صرف نظر از تغییرات تاریخی، خصایص ذاتی و مشترکی دارد که در آثار ادبی آن ملت بازتاب می‌یابد. این خصایص شامل زبان، رسوم، اخلاق و ویژگی‌های روانی است. محیط در نظریه تن شامل عناصر جغرافیایی، اقلیمی، سیاسی و اجتماعی است. او تأکید می‌کند که محیط می‌تواند ویژگی‌های خاصی به انسان‌ها ببخشد و به تبع آن، فرم و محتوای آثار ادبی را تحت تأثیر قرار دهد (ولک، ۱۳۷۹). برای مثال، تن اشاره می‌کند که زندگی مردم هلند در محیط سرسبز و پرآب، خلق و خوی آرام و زندگی اجتماعی خاصی را در آن‌ها ایجاد کرده که در ادبیاتشان هم نمود یافته است. زمان یا «روح زمانه» نزد تن به معنای شرایط و گرایش‌های خاص هر دوره تاریخی است. او معتقد است افراد و آثارشان فرزندان زمان خویش‌اند و هیچ اثری فارغ از زمانه خلق نمی‌شود. هر دوره تاریخی، سلاقی، عادات و روحیات خاص خود را دارد که در آثار ادبی همان عصر بازتاب می‌یابد (علایی، ۱۳۸۰).

در مجموع، نظریه ایپولیت تن با تأکید بر سه عامل نژاد، محیط و زمان، ادبیات را محصول تعامل این عوامل و بازتابی از جامعه و تاریخ می‌داند. این دیدگاه، ادبیات را نه صرفاً پدیده‌ای فردی، بلکه آینه‌ای از روح جمعی، شرایط اجتماعی و تحولات تاریخی معرفی می‌کند و مبنای بسیاری از رویکردهای جامعه‌شناختی به ادبیات در قرن بیستم و پس از آن قرار گرفته است (گوردن (دیوید)، ۱۳۷۰). اسکارپیست با رویکرد جامعه‌شناسی اقتصادی، سه مؤلفه تولید، توزیع و مصرف را در فرایند ادبیات مورد توجه قرار می‌دهد. در این چهارچوب، نویسندگان به عنوان تولیدکننده، ناشران به عنوان توزیع‌کننده و خوانندگان به عنوان مصرف‌کننده نقش دارند و چرخه اقتصادی ادبیات با خرید کتاب توسط خوانندگان ادامه می‌یابد. ناشر به عنوان حلقه اتصال نویسنده و خواننده، بیشتر ملاحظات اقتصادی را بر ارزش‌های معنوی ترجیح می‌دهد (اسمیت، ۲۰۲۲: ۲۱۴).

جامعه‌شناس ادبیات نیز با تحلیل داده‌ها و آمار مرتبط با توزیع و پذیرش آثار، اطلاعاتی را در اختیار ناشر و نویسنده قرار می‌دهد تا آن‌ها بتوانند سلیقه و انتظارات مخاطبان را بهتر بشناسند (جانسون و لی، ۲۰۲۳: ۸۹). در این رویکرد، مصرف اثر ادبی همانند مصرف سایر کالاها تلقی می‌شود و سود ناشی از فروش کتاب برای ناشر، بازگشت سرمایه محسوب می‌شود (براون، ۲۰۲۱: ۸۹). در ارتباط با موضوع این پژوهش، که به بررسی نسبت علاقه‌مندی و میزان مطالعه شعر و رمان با هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه شاهد می‌پردازد، نظریه تن چهارچوبی مناسب برای تحلیل وضعیت کنونی ذائقه ادبی و رفتار فرهنگی نسل جوان ارائه می‌دهد.



براساس این نظریه، رفتار ادبی افراد، ازجمله میزان علاقه‌مندی و مطالعه آثار ادبی، نه تنها ناشی از عوامل فردی، بلکه بازتاب ساختارهای فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تری است که در سه مؤلفه‌ی موردنظر تن قابل تحلیل‌اند. نخست، عنصر «محیط» در نظریه تن، به محیط فرهنگی، دانشگاهی و اجتماعی دانشجویان اشاره دارد. ساختار فرهنگی دانشگاه، سیاست‌های آموزشی، نوع منابع در دسترس و فضای عمومی جامعه، همگی نقش مهمی در شکل‌گیری ذوق و رفتار ادبی دانشجویان ایفا می‌کنند. برای نمونه، اگر ادبیات فارسی در نظام آموزشی و محیط دانشگاهی به‌درستی معرفی و تقویت نشود، این امر می‌تواند منجر به کاهش علاقه‌مندی و فاصله گرفتن دانشجویان از میراث ادبی ملی شود. دوم، عنصر «زمان» به زمینه تاریخی و فرهنگی دوره‌ای اشاره دارد که دانشجویان در آن زیست می‌کنند. در جامعه‌ای که تحولات فرهنگی، فناوری و رسانه‌ای باشتاب در حال وقوع است، نسل جدید ممکن است ارتباط ضعیف‌تری با ادبیات سنتی یا کلاسیک برقرار کند. در این شرایط، مطالعه ادبیات می‌تواند شاخصی برای میزان پیوند فرد با هویت تاریخی و فرهنگی ملی محسوب شود. سوم، عنصر «نژاد» در نظریه تن، که معادل با «روح قومی» در نظر گرفته شده و ناظر بر ویژگی‌های فرهنگی، روانی و تاریخی یک ملت است و نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند آیین‌های از هویت جمعی و ارزش‌های درونی یک ملت باشد. بر این اساس، علاقه‌مندی به شعر و رمان فارسی می‌تواند نشانه‌ای از احساس تعلق فرهنگی به جامعه ایرانی تلقی گردد. به‌طور کلی، نظریه ایپولیت تن می‌تواند در تحلیل داده‌های این پژوهش نقشی راهبردی ایفا کند؛ زیرا امکان بررسی تأثیر عوامل محیطی، تاریخی و فرهنگی بر علاقه‌مندی و میزان مطالعه ادبیات در میان دانشجویان را فراهم می‌سازد. در چهارچوب این نظریه، می‌توان این فرض را مطرح کرد که «کاهش سطح مطالعه آثار ادبی نه فقط یک مسئله آموزشی یا فردی، بلکه بازتابی از تحولات ساختاری در حوزه فرهنگ، رسانه، آموزش و هویت است».

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های نوین نشان داده‌اند که ذائقه ادبی و هنری افراد به شدت تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، نهادهای فرهنگی و سرمایه فرهنگی آن‌ها شکل می‌گیرد. سرمایه فرهنگی که شامل تولیدات فرهنگی، مشارکت در فعالیت‌های هنری و دسترسی به منابع فرهنگی است، نقشی کلیدی در تعیین ترجیحات ادبی افراد ایفا می‌کند (گارسیا، ۲۰۲۴: ۴۵).

در سال‌های اخیر، پژوهشگرانی با الهام از اندیشه‌های گئورگ لوکاک، به نقش رمان در بازتاب بحران‌های انسان معاصر و گونه‌های مختلف آن توجه نشان داده‌اند. آنان رابطه شخصیت

اصلی با جهان بیرونی را محور تمایز گونه‌های مختلف رمان می‌دانند و بر نقش رمان انتقادی رئالیستی در انعکاس تضادهای درونی و بیرونی انسان تأکید دارند (نگوین، ۲۰۲۳: ۶۱).

در پژوهش‌های معاصر، ادبیات به‌عنوان منبعی برای آگاهی و خودآگاهی انسان و ابزاری برای بازنمایی اقبال حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر جامعه معرفی می‌شود (جکسون، ۲۰۲۱: ۲۰۲). هنرمند، با پرداختن به مسائل گروه‌های به حاشیه رانده‌شده، در جهت اصلاح آگاهی عمومی جامعه گام برمی‌دارد. همچنین، تأکید می‌شود که ادبیات باید به تحلیل مناسبات اجتماعی در حوزه‌های خصوصی همچون عشق، دوستی، هویت و خودانگاره پردازد و نباید صرفاً به نهادهای اقتصادی یا سیاسی محدود شود (مارتینز، ۲۰۲۳: ۷۷). از منظر کارکردی، ادبیات عامه‌پسند امروزی فضایی برای گریز از فشارهای زندگی روزمره فراهم کرده و نوعی درمان روان‌شناختی برای مخاطب فراهم می‌سازد (کیم و رابرتز، ۲۰۲۲: ۸۹).

۱- نظریه انگیزش و یادگیری: یکی از نظریه‌های مهم در این زمینه، نظریه انگیزش و یادگیری است که توسط روان‌شناسانی مانند بندورا و دسی و رایان توسعه یافته است. براساس این نظریه، انگیزش به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۰: ۲۲۷). انگیزش درونی به علاقه و لذت فرد از فعالیت‌ها برمی‌گردد؛ درحالی‌که انگیزش بیرونی به پاداش‌ها و فشارهای خارجی مربوط می‌شود. در زمینه ادبیات فارسی، دانشجویانی که انگیزش درونی دارند، بیشتر به مطالعه و مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با ادبیات فارسی می‌پردازند.

۲- نظریه تعامل اجتماعی: نظریه تعامل اجتماعی که توسط ویگوتسکی مطرح شده است، بر اهمیت تعاملات اجتماعی در فرایند یادگیری تأکید دارد (ویگوتسکی، ۱۹۷۸: ۵۶). براساس این نظریه، یادگیری از طریق تعامل با دیگران و محیط اجتماعی صورت می‌گیرد. در زمینه ادبیات فارسی، استفاده از روش‌های تدریس تعاملی و فعالیت‌های گروهی می‌تواند نگرش مثبت‌تری به ادبیات ایجاد کند.

۳- نظریه سرمایه فرهنگی: نظریه سرمایه فرهنگی که توسط بوردیو مطرح شده است، به بررسی نقش فرهنگ و سرمایه فرهنگی در تعیین موقعیت اجتماعی افراد می‌پردازد (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۳). براساس این نظریه، دانشجویانی که از خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالا می‌آیند، نگرش مثبت‌تری به ادبیات فارسی دارند و بیشتر به مطالعه و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازند.



۴- نظریه هویت اجتماعی: نظریه هویت اجتماعی که توسط تاجفل و ترنر توسعه یافته است بر اهمیت هویت گروهی و تعلق به گروه‌های اجتماعی تأکید دارد (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶: ۲۲). براساس این نظریه، دانشجویانی که احساس تعلق بیشتری به فرهنگ و هویت ملی خود دارند، نگرش مثبت‌تری به ادبیات فارسی دارند.

مرور نظریه‌های جامعه‌شناسی ادبیات نشان می‌دهد که رفتارهای فرهنگی و ادبی ازجمله علاقه‌مندی به شعر و رمان و میزان مطالعه آن‌ها، تنها پدیده‌هایی فردی یا سلیقه‌ای نیستند، بلکه ریشه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و طبقاتی دارند. نخست، نظریه ایپولیت تن با تأکید بر سه عامل نژاد (روح قومی)، محیط (شرایط اجتماعی و جغرافیایی) و زمان (بافت تاریخی و فرهنگی)، بستر مفهومی مناسبی برای درک این واقعیت فراهم می‌سازد که آثار ادبی و همچنین، گرایش به آن‌ها، بازتابی از شرایط زیست اجتماعی و فرهنگی مخاطبان و تولیدکنندگان آن‌هاست. این دیدگاه، زمینه‌ای برای تحلیل پیوند میان مطالعه ادبیات و هویت فرهنگی دانشجویان فراهم می‌کند. ازسوی دیگر، نظریه سرمایه فرهنگی پیر بوردیو و مفاهیم مرتبط با میدان ادبی، بر نقش نظام‌های آموزشی، جایگاه طبقاتی و نهادهای فرهنگی در شکل‌دهی به ذائقه و رفتار ادبی تأکید می‌کند. بر این اساس، می‌توان علاقه‌مندی و مطالعه شعر و رمان را به‌مثابه نوعی «سرمایه فرهنگی نمادین» در نظر گرفت که نشان‌دهنده‌ی پیوند یا گسست فرد با میراث فرهنگی و ادبی جامعه است. همچنین، نظریه‌های مارکسیستی با تمرکز بر رابطه میان ادبیات و واقعیت‌های اجتماعی، به ما امکان می‌دهند مطالعه ادبیات را به‌عنوان نوعی «موقعیت‌گیری طبقاتی» تحلیل کنیم. از این منظر، علاقه به ادبیات ممکن است بازتاب آگاهی فرهنگی یا مقاومت در برابر فراموشی هویت اجتماعی باشد.

درنهایت، نظریه‌های لوکاچ و گلدمن که بر رابطه فرم ادبی رمان با ساختارهای اجتماعی تأکید دارند، ما را به این نتیجه می‌رسانند که «مطالعه‌ی ادبیات، به‌ویژه رمان و شعر، می‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی جهان‌بینی فرد و جایگاه اجتماعی او باشد». در همین راستا، سنجش میزان مطالعه و همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستانی می‌تواند شاخصی از نوع درک و دریافت دانشجویان از هویت فرهنگی‌شان باشد.

پیشینه پژوهش

محمدعلی حسینی و مریم فراهانی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل علاقه‌مندی دانشجویان به شعر و رمان و تأثیر آن بر مهارت‌های زبانی»، به بررسی میزان علاقه‌مندی

و تأثیر مطالعه بر مهارت‌های زبانی پرداختند. در این مقاله از روش پیمایش و مصاحبه استفاده شده و جامعه آماری شامل ۲۰۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف کشور بوده است. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که به شعر و رمان علاقه‌مند بودند در مهارت‌های زبانی مانند خواندن، نوشتن و درک مطلب عملکرد بهتری داشتند.

زهره اکبری و علی مرادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر خلاقیت دانشجویان» به بررسی تأثیر مطالعه بر خلاقیت پرداختند. روش این تحقیق تجربی و جامعه آماری آن شامل ۱۵۰ دانشجو از دانشگاه‌های هنر و علوم انسانی بود. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی خلاقیت دانشجویان را افزایش می‌دهد.

کتایون صادقی و فاطمه رستمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه شعر و رمان» به بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن شامل ۳۰۰ دانشجو از دانشگاه‌های تهران بود. یافته‌ها نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین تأثیر را بر علاقه‌مندی به مطالعه دارند.

سعید موسوی و لیلا احمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش مطالعه شعر و رمان در کاهش استرس و اضطراب دانشجویان» به بررسی تأثیر مطالعه بر کاهش استرس و اضطراب پرداختند. روش این تحقیق تجربی و جامعه آماری شامل ۱۰۰ دانشجو از دانشگاه‌های علوم پزشکی بود. نتایج نشان داد مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی میزان استرس و اضطراب دانشجویان را کاهش می‌دهد.

مهسا محمدی و علی حسن‌زاده (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات کلاسیک و معاصر» به مقایسه علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات کلاسیک و معاصر پرداختند. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری شامل ۲۵۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف بود. نتایج نشان داد که دانشجویان به ادبیات معاصر علاقه بیشتری دارند.

الهام رضایی و نادر کاظمی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان» به بررسی تأثیر مطالعه بر همدلی و تعامل اجتماعی پرداختند. روش آن‌ها در این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری‌شان شامل ۲۰۰ دانشجو از دانشگاه‌های علوم انسانی بود. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان را افزایش می‌دهد.

فرزاد نوری و سارا فتحی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مطالعه شعر و رمان در تقویت هویت فرهنگی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر هویت فرهنگی



پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری شامل ۳۰۰ دانشجویان از دانشگاه‌های مختلف بود. یافته‌ها نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی هویت فرهنگی دانشجویان را تقویت می‌کند.

زهره امیری و حسن شریفی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر توانایی تحلیل و نقد ادبی دانشجویان» به بررسی تأثیر مطالعه بر توانایی تحلیل و نقد ادبی پرداختند. روش این تحقیق تجربی و جامعه آماری شامل ۱۵۰ دانشجویان از دانشگاه‌های ادبیات بود. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی توانایی تحلیل و نقد ادبی دانشجویان را افزایش می‌دهد.

مریم رحیمی و علی عسگری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مطالعه شعر و رمان بر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن شامل ۲۰۰ دانشجویان از دانشگاه‌های علوم اجتماعی بود. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان را گسترش می‌دهد. جان اسمیت و امیلی براون (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر مهارت‌های زبانی در بین دانشجویان دانشگاه»، تأثیر مطالعه شعر و رمان بر مهارت‌های زبانی را بررسی کردند. در این تحقیق از روش پیمایشی و مصاحبه استفاده شده و نمونه آماری شامل ۲۰۰ دانشجویان از دانشگاه‌های مختلف بوده است. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که به شعر و رمان علاقه‌مند بودند در مهارت‌های زبانی مانند خواندن، نوشتن و درک مطلب عملکرد بهتری داشتند.

سارا جانسون و مایکل لی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر خلاقیت دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر خلاقیت پرداختند. روش تحقیق آن تجربی و نمونه آماری شامل ۱۵۰ دانشجویان از دانشکده‌های هنر و علوم انسانی بوده است. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی خلاقیت دانشجویان را افزایش می‌دهد. رابرت ویلیامز و لیندا تامپسون (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجویان دانشگاه به مطالعه شعر و رمان»، به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر مطالعه پرداختند. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و نمونه آماری آن شامل ۳۰۰ دانشجویان از دانشگاه‌های مختلف بوده است. یافته‌ها نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین تأثیر را بر علاقه‌مندی به مطالعه دارند.

دیوید مارتینز و آنا گارسیا (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «نقش مطالعه شعر و رمان

در کاهش استرس و اضطراب دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر کاهش استرس و اضطراب پرداختند. روش تحقیق در این پژوهش تجربی و نمونه آماری آن شامل ۱۰۰ دانشجوی پزشکی بوده است. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی میزان استرس و اضطراب دانشجویان را کاهش می‌دهد.

اما هریس و استیون کلارک (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «علاقه‌مندی دانشجویان دانشگاه به ادبیات کلاسیک و معاصر»، به مقایسه علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات کلاسیک و معاصر پرداختند. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و نمونه آماری شامل ۲۵۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که دانشجویان به ادبیات معاصر علاقه بیشتری دارند.

لورا لوئیس و جیکوب آدامز (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر همدلی و تعامل اجتماعی پرداختند. روش تحقیق پیمایشی و نمونه آماری شامل ۲۰۰ دانشجوی علوم انسانی بوده است. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان را افزایش می‌دهد.

اندرو تیلور و سوفی وایت (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «نقش مطالعه شعر و رمان در تقویت هویت فرهنگی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر هویت فرهنگی پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی و نمونه آماری شامل ۳۰۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف بوده است. یافته‌ها نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی هویت فرهنگی دانشجویان را تقویت می‌کند.

جسیکا رابرتز و مارک واکر (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر توانایی تحلیل و نقد ادبی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر توانایی تحلیل و نقد ادبی پرداختند. روش این تحقیق تجربی و نمونه آماری شامل ۱۵۰ دانشجوی ادبیات بوده است. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی توانایی تحلیل و نقد ادبی دانشجویان را افزایش می‌دهد.

مگان ترنر و برایان اسکات (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان»، به بررسی تأثیر مطالعه بر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی و نمونه آماری شامل ۲۰۰ دانشجوی علوم اجتماعی بوده است. نتایج نشان داد که مطالعه شعر و رمان به‌طور قابل‌توجهی دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان را گسترش می‌دهد.



الیزابت نلسون و ریچارد کارتر (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه شعر و رمان»، به عوامل بازدارنده و منفی مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه ادبیات فارسی پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایشی و نمونه آماری شامل ۲۵۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف بوده است. یافته‌ها نشان داد که عوامل اقتصادی و کمبود وقت بیشترین تأثیر را بر کاهش علاقه‌مندی به مطالعه داشته‌اند. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر پیرامون مطالعه شعر و رمان در میان دانشجویان، اغلب در چهار محور قابل دسته‌بندی هستند: در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از مطالعات تجربی و تحلیلی به بررسی تأثیرات مطالعه شعر و رمان بر ابعاد مختلف زندگی دانشجویی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آثار ادبی، به‌ویژه شعر و رمان، علاوه بر ارزش‌های هنری، نقش مهمی در رشد شناختی و روان‌شناختی افراد ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال، مطالعات حسینی و فراهانی (۱۴۰۱)، اسمیت و براون (۲۰۲۰) و موسوی و احمدی (۱۴۰۱) حاکی از آن است که مطالعه منظم شعر و رمان موجب بهبود مهارت‌های زبانی همچون خواندن، نوشتن و درک مطلب شده و هم‌زمان، به کاهش استرس و افزایش همدلی در میان دانشجویان کمک می‌کند. ازسوی دیگر، علاقه‌مندی به مطالعه آثار ادبی صرفاً امری فردی یا آموزشی نیست، بلکه تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های صادقی و رستمی (۱۴۰۰)، ویلیامز و تامپسون (۲۰۲۱) و نلسون و کارتر (۲۰۲۱) به این نکته پرداخته‌اند که عواملی مانند طبقه اجتماعی، میزان وقت آزاد، امکان دسترسی به منابع فرهنگی و تأثیر محیط اجتماعی بر نگرش افراد به ادبیات، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این مطالعات تأکید می‌کنند که ذائقه ادبی در خلاء شکل نمی‌گیرد، بلکه نتیجه تعامل با بستر فرهنگی و اجتماعی پیرامون است. افزون بر این، نقش ادبیات در ارتقای هویت فرهنگی و اجتماعی نیز در ادبیات پژوهشی موردتوجه قرار گرفته است. پژوهش‌های نوری و فتحی (۱۴۰۱)، تیلور و وایت (۲۰۲۰)، و ترنر و اسکات (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که مطالعه شعر و رمان می‌تواند در تقویت مؤلفه‌های هویت فرهنگی، تعمیق آگاهی اجتماعی و سیاسی و درک بهتر ساختارهای طبقاتی جامعه مؤثر واقع شود. در این زمینه، ادبیات به‌مثابه ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، مفاهیم فرهنگی و روایت‌های تاریخی ایفای نقش می‌کند و ازاین‌رو، پیوند مستقیمی با فرایند هویت‌یابی نسل جوان دارد. درنهایت، در بررسی ذائقه‌های ادبی نسل دانشگاهی، تغییراتی در سبک‌های موردعلاقه قابل‌مشاهده است. مطالعات محمدی و حسن‌زاده (۱۴۰۲) و



هریس و کلارک (۲۰۲۰) بیانگر گرایش بیشتر دانشجویان به ادبیات معاصر و نوگرا در مقایسه با ادبیات کلاسیک هستند. این تغییر نشان می‌دهد که سبک‌های ادبی نیز در واکنش به تحولات فرهنگی و ارتباطی جامعه دستخوش تغییر شده‌اند و فهم این تحولات برای تبیین رفتارهای فرهنگی دانشجویان ضروری است. درمجموع، دسته‌بندی مطالعات پیشین در چهار محور یادشده، زمینه‌ای تحلیلی برای درک بهتر نسبت به مطالعه ادبیات با هویت فرهنگی دانشجویان فراهم می‌سازد. اگرچه هر یک از مطالعات پیشین به زوایایی از موضوع پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر برای نخستین بار در پی آن است که پیوند میان میزان مطالعه و علاقه‌مندی به شعر و رمان را با مؤلفه‌های هویت فرهنگی (ملی، تاریخی، زبانی، دینی و نمادین) به صورت مستقیم و از منظر جامعه‌شناختی بررسی کند. این رویکرد تلفیقی، خلأ میان رویکردهای رفتاری (مثل مهارت‌های زبانی یا خلاقیت) و تحلیل‌های کلان هویتی را پر می‌کند.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر پیمایشی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. در این تحقیق، جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه شاهد است. انتخاب جامعه آماری به این دلیل است که دانشگاه شاهد به عنوان یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور، دارای دانشجویانی با پس‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متنوع است که می‌توانند نماینده خوبی برای بررسی نگرش‌ها نسبت به ادبیات فارسی باشند. حجم نمونه در این تحقیق ۱۰۸ نفر از دانشجویان دانشگاه شاهد است که به صورت تصادفی از تمامی رشته‌ها انتخاب شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که نتایج تحقیق قابلیت تعمیم‌پذیری به کل جامعه دانشجویان دانشگاه شاهد را دارند. در این تحقیق، پایایی اندازه‌گیری از طریق آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه‌ها بوده و مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق است.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش

متغیرهای جمعیتی	گروه	فراوانی	درصد
سن	۱۸ سال	۲۵	۲۳/۶
	۱۹ سال	۳۶	۳۴/۰
	۲۰ سال	۲۱	۱۹/۸



۱۳/۲	۱۴	۲۱ سال	
۹/۴	۱۰	۲۲ سال	
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل	
	۲۸	مرد	جنسیت
	۷۸	زن	
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل	
۱۰۶	۱۰۰/۰	کارشناسی	تحصیلات
۱۰۶	۱۰۰/۰	کل	
۹۵/۳	۱۰۱	مجرد	تأهل
۲۶/۴	۵	متأهل	
۷۳/۶	۱۰۶	کل	
۵/۷	۶	بالا	طبقه اجتماعی
۸۴/۰	۸۹	متوسط	
۱۰/۴	۱۱	پایین	
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل	

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان با ۳۴ درصد سن خود را ۱۹ سال و کمترین درصد با ۹/۴ درصد نیز ۲۲ سال معرفی کرده‌اند. به لحاظ جنسیت نیز ۷۳/۶ درصد جنسیت خود را زن و ۲۶/۴ درصد نیز جنسیت خود را مرد گزارش کرده‌اند. از نظر تحصیلات، ۱۰۰ درصد دانشجویان کارشناسی بوده و به لحاظ تأهل نیز ۹۵/۳ درصد مجرد و ۴/۷ درصد نیز متأهل بوده‌اند. به لحاظ طبقه اجتماعی نیز بیشترین درصد پاسخگویان با ۸۴ درصد طبقه اجتماعی خود را در حد متوسط و کمترین آن‌ها با ۵/۷ درصد نیز طبقه خود را در حد بالا گزارش کرده‌اند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان مطالعه شعر در طول هفته

درصد	فراوانی	میزان شعر خواندن در طول هفته
۸۶/۸	۹۲	کمتر از یک ساعت
۸/۵	۹	بین یک تا سه ساعت
۴/۷	۵	سه تا پنج ساعت
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان (۸۶/۸ درصد) کمتر از ۱ ساعت در هفته به مطالعه شعر می‌پردازند. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده چندین نکته مهم باشد:



- عدم علاقه یا اولویت پایین: این آمار نشان می‌دهد که ممکن است علاقه‌مندی به شعر در میان دانشجویان کم باشد یا این فعالیت در مقایسه با سایر فعالیت‌های اوقات فراغت اولویت کمتری داشته باشد.
- کمبود زمان: ممکن است دانشجویان به دلیل مشغله‌های درسی و فعالیت‌های دیگر، زمان کمی برای پرداختن به شعر داشته باشند.
- عدم دسترسی به منابع مناسب: ممکن است دانشجویان به منابع مناسب برای مطالعه شعر دسترسی نداشته باشند یا از وجود چنین منابعی آگاهی نداشته باشند.
- تأثیر فرهنگی و اجتماعی: نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند بر میزان پرداختن به شعر تأثیرگذار باشند. در جوامعی که شعر و ادبیات به‌عنوان یک ارزش فرهنگی بالا در نظر گرفته نمی‌شود، افراد کمتری به این فعالیت‌ها می‌پردازند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تمایل به شعر کلاسیک یا شعر معاصر

درصد	فراوانی	تمایل به شعر کلاسیک یا شعر معاصر
۵۸/۵	۶۲	کلاسیک
۴۱/۵	۴۴	معاصر
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان با ۵۸/۵ درصد، طرفدار شعر کلاسیک بوده و کمترین درصد آن‌ها با ۴۱/۵ درصد نیز طرفدار شعر معاصر بوده‌اند. برگزاری جلسات شعرخوانی و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند به افزایش آگاهی و علاقه‌مندی دانشجویان به شعر کمک کند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان خواندن رمان در طول هفته و اوقات فراغت

درصد	فراوانی	خواندن رمان در طول هفته و اوقات فراغت
۴۷/۲	۵۰	کمتر از یک ساعت
۳۳/۰	۳۵	بین یک تا سه ساعت
۷/۵	۸	سه تا پنج ساعت
۱۲/۳	۱۳	پنج ساعت و بیشتر
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان با ۴۷/۲ درصد، میزان خواندن رمان یا داستان را در طول هفته کمتر از ۱ ساعت و کمترین درصد آن‌ها با ۷/۵ درصد، این میزان را ۳-۵ ساعت گزارش کرده‌اند.



جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان علاقه‌مندی به ادبیات فارسی

درصد	فراوانی	علاقه‌مندی به ادبیات فارسی
۴/۷	۵	خیلی کم
۷/۵	۸	کم
۴۳/۴	۴۶	متوسط
۳۲/۲	۳۲	زیاد
۱۴/۲	۱۵	خیلی زیاد
۱۰۰/۰	۱۰۶	کل

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان با ۴۳/۴ درصد، میزان علاقه‌مندی خود را به ادبیات فارسی در حد متوسط و کمترین درصد آن‌ها با ۴/۷ درصد نیز این میزان را در حد خیلی کم گزارش کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که دانشجویان به شعر و ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند و این علاقه‌مندی بالاتر از حد متوسط است. برای تقویت و توسعه این علاقه‌مندی می‌توان برنامه‌های فرهنگی و آموزشی متنوعی را در نظر گرفت. این نتایج بیانگر آن است که ادبیات فارسی همچنان جایگاه مهمی در بین دانشجویان دارد و این علاقه‌مندی می‌تواند به‌عنوان یک پتانسیل قوی برای توسعه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در نظر گرفته شود.

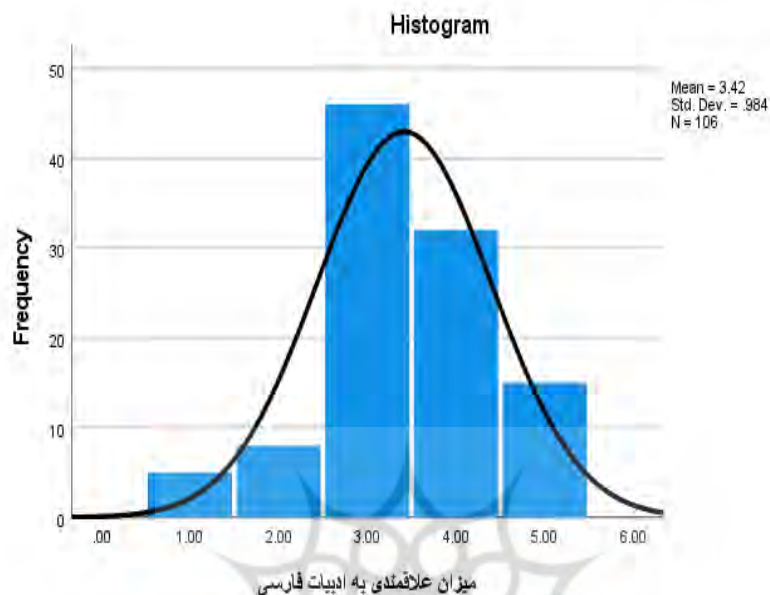
جدول شماره ۶: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان علاقه‌مندی به شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان

تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
۱۰۶	۳/۴۱۵۱	۰/۹۸۴۳۳	۰/۰۹۵۶۱

جدول شماره ۷: آزمون t تک نمونه‌ای میزان علاقه‌مندی به شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان

Test Value = 3					
T	درجه آزادی	معنی‌داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				کمران پایین	کمران بالا
۴/۳۴۲	۱۰۵	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵۰۹	۰/۲۲۵۵	۰/۶۰۴۷

براساس جدول بالا، با توجه به میانگین آماره تک‌نمونه‌ای که نشان داد میانگین علاقه‌مندی به شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان بیشتر از ۳ است، می‌توان گفت این میزان علاقه‌مندی به شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان در حد متوسط به بالا است.



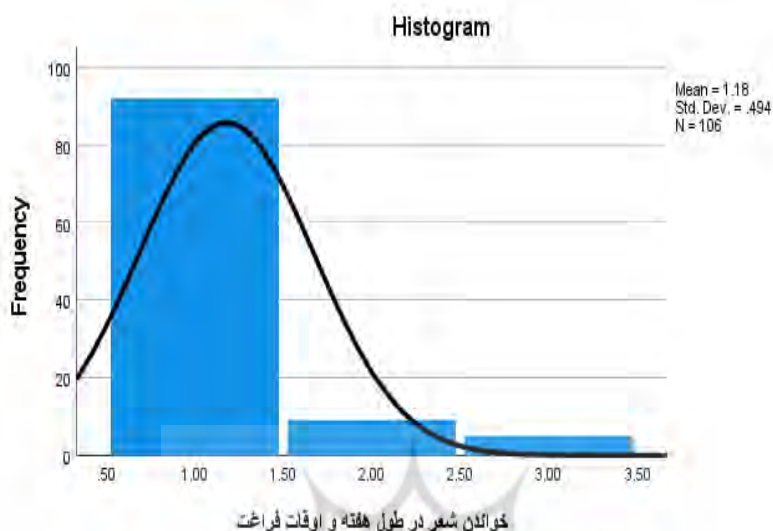
جدول شماره ۸: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت

تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
۱۰۶	۱/۱۷۹۲	۰/۴۹۳۷۲	۰/۰۴۷۹۵

جدول شماره ۹: آزمون t تک‌نمونه‌ای میزان خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت

Test Value = 3					
T	درجه آزادی	معنی‌داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				کران پایین	کران بالا
-۲۷/۵۴۲	۱۰۵	۰/۰۰۰	-۱/۳۲۰۷۵	-۱/۴۱۵۸	-۱/۲۲۵۷

براساس جدول بالا، با توجه به میانگین آماره تک‌نمونه‌ای که نشان داد میانگین خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت کمتر از ۲/۵ است، می‌توان گفت این میزان خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت دانشجویان در حد متوسط به پایین است. همچنین، از آنجاکه آماره t بزرگ‌تر از آماره بحرانی جدول بوده و سطح معناداری این آماره برابر با ۰/۰۰ به دست آمده که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت میزان خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت در حد متوسط به پایین است.



جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به بررسی میزان علاقه‌مندی و خواندن شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان پرداخته است. نتایج نشان داد که اگرچه دانشجویان به‌طور کلی به شعر و ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند؛ اما میزان خواندن شعر در طول هفته و اوقات فراغت کمتر از حد انتظار است. این یافته‌ها حاکی از وجود اختلاف بین علاقه‌مندی به شعر و میزان وقت‌گذاری برای مطالعه آن هستند. نتایج آماری نشان داد که میانگین علاقه‌مندی به شعر و ادبیات فارسی در بین دانشجویان بالاتر از حد متوسط است. این علاقه‌مندی نشان‌دهنده تمایل دانشجویان به ادبیات و فرهنگ غنی فارسی است. بررسی‌های گذشته نیز تأیید می‌کنند که جوانان به شعر و ادبیات علاقه‌مند هستند (اسمیت، ۲۰۲۲: ۲۱۴). این علاقه‌مندی می‌تواند به‌عنوان پتانسیلی برای توسعه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، یافته‌های مربوط به میزان خواندن شعر نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان زمان کافی برای مطالعه شعر نمی‌گذرانند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند مشغله‌های درسی و فعالیت‌های جانبی دانشجویان باشد. تحقیقات نیز نشان داده است که دانشجویان به‌طور معمول با کمبود وقت مواجه هستند و زمان کافی برای فعالیت‌های فراغتی مانند خواندن شعر ندارند (براون، ۲۰۲۱: ۸۸). پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علاقه‌مندی دانشجویان به شعر و ادبیات فارسی بالاتر از حد متوسط

است؛ اما میزان خواندن شعر در بین آن‌ها کمتر از حد انتظار است. نقش ادبیات در ترویج اخلاق انسانی و گرایش‌های زیبایی‌شناسانه، لذت بردن از خواندن شعر و همدلی با قهرمانان داستان‌ها توسط درصد قابل‌توجهی از دانشجویان گزارش شده است. بسیاری از دانشجویان دیوان حافظ در خانه دارند و موسیقی ایرانی جدید را ترجیح می‌دهند. نگرش به تحصیلات دانشگاهی نیز مثبت است. پیشنهاد می‌شود با برگزاری جلسات شعرخوانی، نقد ادبی، تجهیز کتابخانه‌ها و همچنین، کارگاه‌های آموزشی، تقویت علاقه‌مندی دانشجویان فراهم گردد. بررسی‌ها نشان داده که مطالعه شعر و رمان بر مهارت‌های زبانی و خلاقیت دانشجویان تأثیر مثبتی دارد. پژوهش‌های دیگر نیز مشابه پژوهش‌های انجام‌شده، تأثیر مطالعه شعر و رمان بر مهارت‌های زبانی و خلاقیت دانشجویان (اسمیت و براون، ۲۰۲۰: ۷۷؛ جانسون و لی، ۲۰۱۹: ۱۰۱) را تأیید می‌کنند.

همچنین، مطالعه شعر و رمان به کاهش استرس و اضطراب دانشجویان کمک می‌کند. نقش مطالعه شعر و رمان در کاهش استرس و اضطراب نیز در پژوهش‌های خارجی تأیید شده است (مارتینز و گاریکا، ۲۰۲۲: ۴۰). همدلی با قهرمانان داستان‌ها و نقش ادبیات در ترویج اخلاق انسانی با درصدهای بالایی گزارش شده است که مشابه تأثیر مثبت مطالعه شعر و رمان بر همدلی و تعامل اجتماعی نیز در پژوهش‌های دیگر (لوئیس و آدامز، ۲۰۲۱: ۸۲) مشاهده می‌شود. تقویت هویت فرهنگی و توانایی تحلیل و نقد ادبی از یافته‌های کلیدی پژوهش بوده که مشابه پژوهش‌های خارجی، مانند نقش مطالعه شعر و رمان در تقویت هویت فرهنگی و توانایی تحلیل و نقد ادبی، تأیید شده است (تایلور و وایت، ۲۰۲۰: ۱۱۵؛ رابرت واکر، ۲۰۱۹: ۶۳). همچنین، علاقه‌مندی به ادبیات فارسی بالاتر از حد متوسط است؛ اما میزان خواندن کم گزارش شده که مشابه کاهش علاقه‌مندی به مطالعه شعر و رمان در پژوهش‌های خارجی است و به عواملی نظیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی نسبت داده شده است. به‌طور کلی، ادبیات فارسی نقش بسزایی در شکل‌دهی هویت فرهنگی و تقویت مهارت‌های زبانی و خلاقیت دانشجویان دارد.

مطالعه حاضر به بررسی الگوهای مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ادبی مانند خواندن شعر و رمان پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که مشارکت دانشجویان در این زمینه‌ها به‌طور کلی پایین است و آن‌ها بیشتر به خواندن شعر کلاسیک نسبت به شعر معاصر علاقه دارند. این وضعیت می‌تواند از دیدگاه نظریه‌های جامعه‌شناختی مختلف تفسیر شود که به شرح زیر است:

- نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو: این نظریه می‌تواند توجیه کند که دانشجویان از



سرمایه فرهنگی کافی برای درک و ارزش‌گذاری شعر و ادبیات معاصر برخوردار نیستند. آن‌ها ممکن است به دلیل عدم تجربه یا تمرکز در سرمایه‌های فرهنگی متفاوت، ترجیح خود را به‌سوی شعر کلاسیک معطوف کنند.

- نظریه انتخاب عقلایی: دانشجویان ممکن است زمان و انرژی خود را برای فعالیت‌های دیگری که به‌نظر آن‌ها مفیدتر و کاربردی‌تر می‌آیند، مانند مطالعه دروس تخصصی یا پژوهش‌های علمی، اختصاص دهند.

- نظریه فرهنگ فرعی: ترجیح دادن شعر کلاسیک ممکن است نشان‌دهنده تأثیر هنجارها و ارزش‌هایی باشد که در زیرفرهنگ آموزشی دانشجویان حاکم است. این ارزش‌ها ممکن است به شکلی، بر تاریخ و ارث فرهنگی متمرکز باشند.

- نظریه بازتولید اجتماعی: الگوهای مشارکت ادبی ممکن است نتیجه بازتاب تفاوت‌های طبقاتی و فرهنگی باشد که در سابقه و سرمایه فرهنگی دانشجویان نقش داشته است. براساس نظریه استفاده و رضایت،^(۱) دانشجویان ممکن است در اوقات فراغت خود به دنبال فعالیت‌هایی باشند که نیازهای مختلفشان را برطرف کند و این ممکن است با تمرکز بر فعالیت‌های ادبی همخوانی نداشته باشد. به‌طورکلی، مطالعه حاکی از این است که مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ادبی تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و نهادی متنوعی قرار دارد. این درک‌ها می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی کمک کند تا راهکارهای مؤثری برای ترویج مشارکت ادبی در میان دانشجویان ارائه دهند. اولین راهکار برای افزایش میزان خواندن شعر می‌تواند فراهم کردن دسترسی بهتر به منابع ادبی باشد. ایجاد کتابخانه‌های دیجیتال، افزایش تعداد کتابخانه‌های دانشگاهی و برگزاری جلسات منظم شعرخوانی می‌تواند به افزایش میزان مطالعه شعر کمک کند. همچنین، ترویج فرهنگ مطالعه و ارزش‌گذاری به ادبیات و شعر می‌تواند نقش مهمی در این امر داشته باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی می‌تواند تأثیر مثبتی بر ایجاد عادت‌های مطالعه در دانشجویان داشته باشد (جانسون، ۲۰۱۷: ۴۵). یکی از مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی پیشنهادی برای تقویت علاقه به شعر در میان دانشجویان، برگزاری منظم جلسات شعرخوانی، نقد ادبی و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با شعر است. این فعالیت‌ها نه تنها فضای تعاملی و مشارکتی میان دانشجویان و اساتید ایجاد می‌کند، بلکه بستری برای شناخت عمیق‌تر مضامین شعری، سبک‌ها و شاعران مختلف فراهم می‌آورد. چنین برنامه‌هایی می‌تواند حس همدلی، خلاقیت و درک زیبایی‌شناختی دانشجویان را نیز ارتقا دهد.



در کنار فعالیت‌های فرهنگی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی و تجهیز کتابخانه‌ها به منابع غنی ادبی نیز یکی دیگر از راهکارهای مهم است. فراهم کردن دسترسی به آثار شاعران کلاسیک و معاصر، مجموعه‌های شعر تحلیلی، منابع صوتی و تصویری مرتبط با شعرخوانی و تشویق به مطالعه‌ی هدفمند موجب گسترش افق مطالعاتی و ارتقای سواد ادبی دانشجویان خواهد شد. این اقدامات می‌تواند پیوند میان ادبیات فارسی و هویت فرهنگی را در سطح دانشگاهی تقویت کند.

درنهایت، لازم است سیاست‌گذاران فرهنگی و دانشگاهی برنامه‌ریزی بلندمدتی برای ارتقای جایگاه ادبیات فارسی در میان نسل جوان طراحی و اجرا کنند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل گنجاندن واحدهای اختیاری ادبی در برنامه درسی، حمایت از نشریات ادبی دانشجویی، اعطای بورسیه‌های پژوهشی در حوزه شعر و تشویق فعالیت‌های هنری در انجمن‌های علمی - فرهنگی باشد. چنین تدابیری به ایجاد نگرش مثبت به شعر و نقش آن در هویت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان کمک خواهد کرد.

یادداشت

۱- نظریه «استفاده و رضایت» نخستین بار توسط کاتز و بلومر در دهه ۱۹۷۰ به صورت نظام‌مند مطرح شد. براساس این نظریه، مخاطبان در مواجهه با رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی - هنری نقش فعال دارند و به دنبال آن هستند که از طریق این فعالیت‌ها نیازهای متنوع خود (نیاز به سرگرمی، آگاهی، تعامل اجتماعی یا هویت‌یابی) را برآورده کنند؛ بنابراین، ممکن است در اوقات فراغت خود فعالیت‌هایی را انتخاب کنند که الزاماً با فعالیت‌های ادبی هم‌راستا نباشد. براساس این نظریه، ممکن است دانشجویان نیز در اوقات فراغت خود به دنبال فعالیت‌هایی باشند که نیازهای گوناگونشان را برآورده کند و این احتمال وجود دارد که این نیازها الزاماً با فعالیت‌های ادبی همسو نباشد.

منابع

- آذری، مجید (۱۳۸۹). *مطالعه شعر و تأثیرات آن بر خلاقیت*. تهران: نشر دانشگاهی.
- اسکریت، روبر (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه‌ی مرتضی کلی. تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، زهرا؛ مرادی، علی (۱۳۹۹). «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر خلاقیت دانشجویان»، *مجله پژوهش‌های ادبیات و خلاقیت دانشگاه هنر و علوم انسانی*. دوره ۵، شماره ۲: ۱۴۳-۱۲۱.
- امیری، زهرا؛ شریفی، حسن (۱۴۰۰). «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر توانایی تحلیل و نقد ادبی دانشجویان»، *پژوهش‌های نقد و تحلیل ادبی*. دوره ۹، شماره ۲: ۸۲-۶۰.



- حسینی، علی (۱۳۹۲). نقش دانشگاه‌ها در توسعه فرهنگی دانشجویان. تهران: نشریه علمی دانشگاه شاهد.
- حمیدی، س؛ افشاری، ل (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه شعر و رمان»، نشریه مطالعات اجتماعی. ۱۵ (۲): ۷۵-۹۰.
- حسینی، مریم؛ فراهانی، علی (۱۴۰۱). «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر مهارت‌های زبانی دانشجویان»، مجله زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۴، شماره ۲: ۷۸-۵۵.
- رحیمی، مریم؛ عسگری، علی (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر مطالعه شعر و رمان بر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. دوره ۱۵، شماره ۱: ۴۸-۲۵.
- رضایی، الهام؛ کاظمی، نادر (۱۴۰۲). «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان»، پژوهشنامه علوم انسانی و تعاملات اجتماعی. دوره ۷، شماره ۲: ۹۴-۷۳.
- زارعی، سعید (۱۳۹۵). بررسی علاقه‌مندی فرهنگی در بین دانشجویان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ستاری، ر؛ احمدی، ز (۱۳۹۹). «تأثیر مطالعه شعر و رمان بر همدلی و تعامل اجتماعی دانشجویان»، مجله جامعه‌شناسی فرهنگی. ۹ (۲): ۵۵-۴۱.
- صادقی، کنایون؛ رستمی، فاطمه (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه شعر و رمان»، مجله مطالعات فرهنگی و ادبی ایران. دوره ۷، شماره ۱: ۶۲-۴۰.
- عباسی، مهدی؛ حسینی، علی؛ رضایی، سارا (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات فارسی»، فصلنامه پژوهش‌های آموزشی و ادبی، ۱۲ (۳): ۶۲-۴۳.
- علایی، محمد (۱۳۸۰). روح زمانه و نقد ادبی. تهران: قطره.
- علیزاده، ف (۱۴۰۰). «نقش رسانه‌ها و فرهنگ دیجیتال در تغییر نگرش نسل جوان به ادبیات کلاسیک فارسی»، مجله فرهنگ و جامعه. ۱۸ (۱): ۱۰۸-۹۵.
- کریمی، رضا (۱۳۹۰). شعر و رمان و تأثیر آن بر خلاقیت و نوآوری. تهران: انتشارات دانشگاهی.
- کیانی، ف؛ نیکو، س (۱۳۹۹). «عوامل مؤثر بر کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به مطالعه شعر و رمان»، مجله آموزش و پرورش. ۵ (۴): ۶۰-۴۵.
- گوردن، جان (۱۳۷۰). ادبیات و جامعه. ترجمه رضا احمدی. تهران: انتشارات نی.
- محمدی، مهسا؛ حسن‌زاده، علی (۱۴۰۲). «بررسی میزان علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات کلاسیک و معاصر». فصلنامه پژوهش‌های ادبی معاصر. دوره ۸، شماره ۱: ۶۷-۴۵.
- مرادی، ع؛ جبّاری، ک (۱۳۹۹). «نقش مطالعه شعر و رمان در کاهش استرس و اضطراب دانشجویان»، مجله روان‌شناسی سلامت. ۸ (۱): ۴۰-۲۶.
- منصوری، م؛ رضایی، ن؛ شریفی، س (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات فارسی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. ۲۵ (۲): ۵۵-۴۰.
- موسوی، سعید؛ احمدی، لیلا (۱۴۰۱). «نقش مطالعه شعر و رمان در کاهش استرس و اضطراب دانشجویان»، مجله روان‌شناسی سلامت دانشگاه علوم پزشکی. سال بیست‌وششم، شماره ۳: ۱۱۸-۹۵.
- میرحسینی، رضا؛ کاظمی، علی؛ امیری، نسرين (۱۳۹۶). ادبیات فارسی و هویت فرهنگی نسل جوان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ.
- ناصری، پ؛ کرمانی، ف (۱۳۹۸). «مقایسه علاقه‌مندی دانشجویان به ادبیات کلاسیک و معاصر»، فصلنامه نقد ادبی. ۱۰ (۳): ۷۰-۵۵.
- نظری، محمد؛ احمدی، لیلا؛ رضایی، سارا (۱۴۰۰). «چالش‌های پیش روی مطالعه ادبیات فارسی در عصر رسانه‌های دیجیتال»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ادبی ایران. ۱۲ (۳): ۹۲-۷۰.



- نوری، فرزاد؛ فتحی، سارا (۱۴۰۱). «بررسی نقش مطالعه شعر و رمان در تقویت هویت فرهنگی دانشجویان»، *مجله مطالعات فرهنگی ایران*. دوره ۱۰. شماره ۴: ۱۳۲-۱۱۰.
- ولک، رنه (۱۳۷۹). *نقد ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.
- ولک، رنه؛ وارن، آستین (۱۳۷۹). *سیر نقد ادبی*. ترجمه محمدجعفر محجوب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital". In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241-258). Greenwood.
- Brown, A. (2018). "The Role of Poetry in Modern Education". *Journal of Educational Research*, 12 (2): 112-129.
- Brown, T. (2021). "Literary consumption in the age of data capitalism." *Cultural Studies Review*. 27(2): 89-106.
- Brown, L. (2023). "Contemporary Marxist Literary Criticism". *Journal of Modern Literary Studies*, 29 (2): 101-120.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). "The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior". *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268.
- Evans, R. (2022). "Class, Literature, and Social Change in the 21st Century". *Critical Sociology of Literature*, 17 (1): 55-74.
- Foster, A. (2022). "The Social Structure of the Novel: Revisiting Goldmann in the Digital Age". *Literary Sociology Review*, 12 (3): 215-233.
- Garcia, M. (2024). "Literature and Society: Economic and Cultural Interactions". *Cultural Studies Quarterly*, 18 (1): 45-63.
- Harris, E. & Clark, S. (2020). "University students' interest in classic and contemporary literature: A comparative study". *Literary Criticism Quarterly*, 10 (3): 55-70.
- Jackson, S. (2021). "Marginality and Literary Representation". *Contemporary Literature Review*, 15 (4): 202-218.
- Johnson, L. (2017). "Cultural Influences on Reading Habits". *Cultural Studies Review*. 30 (1): 78-95.
- Johnson, Sarah; Lee, Michael (2019). "The effect of reading poetry and novels on students' creativity". *International Journal of Creativity and Literature*, 12(3): 101-123.
- Kim, Y. & Roberts, J. (2022). "Popular Literature and Psychological Well-being: An Escape from Modern Pressures". *Psychology & Literature*. 6 (2): 89-104.
- Lee, H. (2021). "Technology, Society, and Artistic Creation". *Art & Society Journal*. 11 (3): 134-150.
- Lewis, Laura; Adams, Jacob (2021). "The impact of reading poetry and novels on empathy and social interaction among students". *Journal of Humanities Research*, 26(3): 75-96.
- Martínez, R., & Garica, L. (2022). "Reading literature as a tool for stress and anxiety reduction among university students". *Journal of Educational Psychology*, 20(1): 33-52.
- Martinez, P. (2023). "Private Life and Social Relations in Contemporary Fiction". *New Literary Perspectives*, 21 (2): 77-95.
- Miller, J. & Thompson, L. (2023). "Art, Technology, and Social Motivation", *International Journal of Arts Sociology*. 9 (1): 33-50.
- Nelson, Elizabeth; Carter, Richard (2021). "Factors affecting students' declining interest in reading poetry and novels". *Educational Sociology Review*, 9(4): 88-110.
- Nguyen, T. (2023). "The Modern Novel and the Crisis of Subjectivity", *Studies in Modern Fiction*. 14 (1): 61-80.
- Roberts, Jessica; Walker, Mark (2019). "The effect of reading poetry and novels on students' literary analysis skills". *Literary Criticism Journal*, 15(1): 55-77.
- Smith, J. (2015). "Promoting Literature in Education: Strategies for Encouraging Reading". *Education Journal*, 23 (4): 45-58.
- Smith, J. (2022). *Sociology of Literature: Contexts and Perspectives*. London: Routledge.
- Smith, John; Brown, Emily (2020). "The impact of reading poetry and novels on language skills among university students". *Journal of Literary Studies*, 18(2): pp. 55-78.



- Tajfel, H. & Turner, J. C. (1986). "The social identity theory of intergroup behavior. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.)", *Psychology of Intergroup Relations* (pp. 7-24). Nelson-Hall.
- Taylor, Andrew; White, Sophie (2020). "The role of reading poetry and novels in strengthening students' cultural identity". *Cultural Studies Quarterly*, 12(2): 101-123.
- Taylor, D. (2024). "Marxism, Literature, and Social Engagement Today". *Contemporary Marxist Studies*. 8 (2): 141-158.
- Turner, Megan; Scott, Brian (2022). "The effect of reading poetry and novels on students' social and political perspectives". *Journal of Social Sciences*, 20(3): 134-156.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Harvard University Press.
- Williams, A., & Thompson, R. (2021). "Social and cultural factors influencing students' engagement with literature". *International Journal of Literary Sociology*, 13(2): 88-110.

